

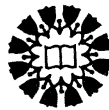
حقوق اسلام

مؤلف

پوهاند غلام محی الدین «دریز»

تهران

۱۳۹۵



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

فهرست مطالب

هشت	یادآوری
۱	مقدمه
۱	حقوق از نگاه اسلام
۱	تقسیم حقوق از نگاه اسلام
۲	تقسیم حقوق از نگاه قانون
۵	فصل اول: تعریفات، تقسیمات و قواعد عمومی
۵	تعریف و موضوع معاملات
۵	مال چیست؟
۶	مال متقوم و غیر متقوم در مذاهب حنفی و مالکی
۷	تقسیم مال به منلی و قیمی و فائده این دو تقسیم
۸	حقوقی که به مال تعلق می‌گیرد
۸	تقسیم ملکیت به تام و ناقص و تعریف هر یک
۹	خواص احکام ملک ناقص
۱۰	انتهای وقت انتفاع
۱۵	اسباب ملکیت تام
۱۵	۱. بیع
۱۵	۲. هبه
۱۶	۳. وصیت
۱۷	۴. ازدواج
۱۸	۵. طلاق به مال
۱۸	۶. میراث
۱۸	۷. شفعه

شفیع کیست (۱۹)، شروط شفعه (۱۹)، مطالبه شفعه (۲۱)، اسباب سقوط

	حق شفعه (۲۲).
۲۲	۸ استیلاء بر اموال مباح یا ذوالید مالهای غیر مملوک تعریف اموال مباح (۲۳).
۲۵	فصل دوم: عقد و معنای آن
۲۵	تعریف عقد
۲۵	معنای عقد
۲۶	ارکان عقد
۲۷	شروط عقد
۲۸	شروط در ایجاب و قبول
۳۱	وسایل ایجاب و قبول
۳۵	اراده یگانه و آثار آن
۳۶	اراده یگانه و التزام
۳۷	اراده یگانه و عقد
۳۸	شروط موضوع عقد
	الف) موضوع عقد باید هنگام انعقاد عقد موجود باشد (۳۸)، ب) موضوع عقد باید قابلیت حکم عقد را داشته باشد (۳۹) ج) ، موضوع عقد باید مشخص و نزد طرفین معلوم باشد (۴۰)، د) قدرت به تسلیم موضوع (۴۰).
۴۱	شروط عاقدین
۴۱	اهلیت طرفین عقد
	اول) اهلیت وجوب (۴۱)، دوم) اهلیت اداء (۴۳).
۴۳	تصرفات اطفال
۴۴	ولایت و صلاحیت عقد
	حدود ولایت پدری (۴۶)، وصی پدر (۴۶)، پدرکلان و وصی آن (۴۸)، قاضی و وصی آن (۴۸)، ولایت و صلاحیت‌های وکیل (۴۹).
۵۰	شروط وکالت
۵۲	تصرفات بیگانگان
۵۴	اقسام شروط عقد

۵۶	اقسام عقد
۵۶	تقسیم عقد از لحاظ حکم و وصف آن
	عقد صحیح (۵۶)، عقد غیر صحیح (۵۸)
۶۱	تقسیم عقد از نگاه آثار آن
۶۱	عقد منجز
۶۲	عقد غیر منجز
	الف) عقد مضاف به آینده (۶۲)، ب) عقد متعلق به شرط (۶۲).
۶۴	تقسیم عقد از حیث دوام و استمرار آن
۶۴	عیوب عقد
۶۵	عیب اول، اکراه
	الف) اکراه در ساحت حقوق جزا (۶۵)، ب) اکراه در ساحت امور مدنی (۶۶).
۶۷	عیب دوم، غلط
۷۰	عیب سوم، تدلیس
۷۱	عیب چهارم و پنجم، غبن و تغریب
۷۳	فصل سوم: اختیارات
۷۳	اختیارات شرطی
۷۳	اختیار تعیین
۷۵	اختیار شرط
۷۸	اختیار عیب
۷۹	اختیارات شرعی
۷۹	اختیار رویت
۸۱	انتهاء عقد
۸۱	انتهاء عقود لازم
۸۲	انتهاء عقود غیر لازم
۸۳	اثر وفات بر انتهاء عقد
۸۳	عقد اجاره
۸۳	عقد رهن و ضمانت
۸۴	عقد شرکت و وکالت

یادآوری

چاپ آثار پژوهشی استادان در گسترش فعالیتهای علمی پوهنتونها نقشی درخور اهمیت دارد، ولی با تأسف بیش از یک دهه است که با انهدام چاپخانه وزارت تحصیلات عالی، آثار تحقیقاتی دستنویس استادان بر روی دستشان مانده است. طبیعی است که چنین پیشامدی تلخ، از اشتیاق استادان در پرداختن به امور پژوهشی می‌کاهد. برای رشد خلاقیت و ارتقای کمی و کیفی فعالیتهای علمی باید زمینه چاپ و انتشار دستاوردهای علمی فراهم شود. خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران در این مرحله از بازسازی افغانستان، در کنار سایر همکارها، وعده چاپ بیست عنوان اثر علمی استادان را داده است. برآورده شدن این وعده از یک سو آغازی است برای تشویق استادان پژوهشگر و از دیگر سو کمکی است برای محصلین در استفاده بهتر از اندوخته‌های علمی استادان. وزارت تحصیلات عالی افغانستان در حالی که از این همکاری شایسته و بموقع جمهوری اسلامی ایران قدردانی می‌کند، همکاریهایی از این گونه را در توسعه هرچه بیشتر مناسبات فرهنگی در کشور سودمند و ستایش انگیز می‌داند!

احمد ضیا رفعت

رییس نشرات وزارت تحصیلات عالی افغانستان

۸۲/۳/۱ کابل

مقدمه

برای اینکه موضوع بحث را خوبتر شرح کرده و موقعیت آن را در حقوق اسلام شناخته باشیم از همه اولتر لازم است کلمه حقوق را در اسلام توضیح نمائیم:

حقوق از نگاه اسلام

گرچه علمای فقه اسلام در کتابهای قدیم حق را به حیث یک عنوان مستقل تعریف و توضیح ننموده‌اند ولی علمای اصول فقه تحت عنوان (محکوم به) این موضوع را با تقسیمات آن شرح داده‌اند.

حق و یا محکوم به در نظر علمای اصول فقه چنین تعریف شده است: محکوم به آن فعل انسان است که خطاب شارع به آن تعلق گیرد برای خیر فرد یا اجتماع و یا هر دو.

از این تعریف چنین برمی آید که حق عبارت از آن مصلحتی است که برای فرد یا اجتماع و یا هر دو از طرف شرع داده شده است؛ البته اگر این تعریف با تعریف حق از نگاه قانون مقایسه شود اختلاف قابل ملاحظه‌ای در آنها دیده نخواهد شد؛ چه حق از نگاه قانون چنین تعریف شده است: حق عبارت از صلاحیت مادی یا ادبی است که توسط قانون حمایت می‌شود.

تقسیم حقوق از نگاه اسلام

حقوق از نگاه اسلام به دو شعبه تقسیم شده است:

۱. حقوق الله؛ عنوان حقوقی است که غرض از آن منافع عامه و اجتماع بوده

به شخص معینی اختصاص ندارد.

این حق اجمالا به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف) عبادات؛ مانند نماز، روزه و غیره.
ب) عقوبات؛ مانند حد زنا، حد سرقت و غیره.
ج) حق مشترک بین عبادت و عقوبت مانند کفارات.
۲. حق العبد؛ و آن عبارت از حقوقی است که غرض از آن مصالح خاص به بعضی افراد است گرچه اجتماع نیز در آن ضمناً در نظر گرفته شده است.
حقوق العبد به دو قسمت تقسیم می‌شود:
الف) حقوق مالی؛ مانند حق نفقه خانم و اولاد بر شوهر و پدر، حق میراث، حق بائع در پول و حق مشتری در جنس و غیره.
ب) حقوق غیر مالی؛ مانند حق تربیت اولاد، حق اطاعت، حق طلاق و غیره.
حقوق مالی در اسلام دو شعبه دارد: عین و دین.
هرگاه حق به یک شیء معین تعلق گیرد عین نامیده می‌شود؛ مانند حق ملکیت جنس در بیع برای مشتری و هرگاه حق به ذمه یک شخص تعلق گیرد دین گفته می‌شود؛ مانند حق نفقه خانم بر شوهر.
از تشریح فوق چنین معلوم می‌شود که فقهای اسلام نیز در تعریف و تقسیم با علمای قانون نزدیک بوده اختلاف عبارات بسیار بسیط است. چه علمای قانون بعد از آنکه حقوق را به حقوق سیاسی و غیر سیاسی تقسیم نموده‌اند حقوق غیر سیاسی را به دو شعبه مهم تقسیم کرده‌اند.

تقسیم حقوق از نگاه قانون

۱. حقوق عام یا حقوق طبیعی انسان؛ و آن حقوقی است که برای انسان غرض دفاع از حریت شخصیت و اموالش داده شده و تمام انسانها از آن در حیات خود مستفید و بهره‌مند بوده‌اند.
۲. حقوق خاص یا حقوق مدنی؛ که به دو دسته تقسیم شده است:
اول: حقوق فامیل؛ و آن حقوقی است که برای شخص به حیث یک عضو در فامیل داده می‌شود؛ مانند حق طلاق، حق نفقه، حق تربیت و حضانت و نگاهداری

اطفال و غیره.

دوم: حقوق مالی؛ و آن حقوقی است که توسط معاملات مالی بین افراد به وجود می‌آید؛ مانند حق شفعه، حق ملکیت، حق ارتفاق و غیره.

حقوق مالی نیز دو شعبه دارد: حقوق شخصی، حقوق عینی.

حق شخصی؛ عبارت از رابطه‌ای است بین دو شخص (صاحب حق و جانب مقابل) که بر اساس آن صاحب حق می‌تواند جانب مقابل را به دادن یک چیز یا کردن و یا نکردن یک کار مجبور سازد. مانند حق یک شخص بعد از مقاوله معماری بر معمار در ساختن یک خانه حق یک تیکه‌دار بر دیگران به نکردن عمل خاص و غیره.

حق عینی؛ عبارت از قدرت و یا صلاحیتی است که قانون برای شخص معینی بر یک شیء معین می‌دهد؛ مانند حق ملکیت و حق انتفاع و غیره.

بعد از آنکه موقعیت حقوق مالی را در تقسیمات حقوق از نگاه قانون و شریعت اسلامی شناختیم زمینه برای شرح و توضیح موضوع اصلی بحث ما (یعنی نظام معاملات در اسلام) مساعد شده است ولی در نظر باید داشت که بحث ما دو قسمت دارد:

قسمت اول، عمومیات از قبیل تعریف‌ها، تقسیمات و قواعد عمومی.

قسمت دوم، عقود معین از قبیل بیع، اجاره، عاریت، حواله، کفالت، وکالت

و غیره.